

تا چه اندازه نیاز به تخنیک و مسلک است؟

امین وردگ

پیش از آن که وارد اصل موضوع شویم، شایسته است نخست تعریف معنوی علم را بیان کنیم، سپس بر بنیاد همین تعریف، معلم و متعلم را بشناسیم، آنگاه مسئولیت علما و معلمان را در جامعه مشخص سازیم و در نهایت بررسی کنیم که آنان این مسئولیت ها را تا چه اندازه ادا کرده اند و یا می کنند.

تعریف معنوی علم:

علم آن نیروی معنوی است که انسان را از گمراهی به سوی سعادت رهبری می کند.

با توجه به این تعریف می توان گفت: هر دانشی که انسان را از گمراهی به سوی سعادت سوق دهد، دانشی لازم و ضروری است؛ اما اینکه «لازم و ضروری» به چه معنی است؟ اسلام برای این پرسش چارچوب قانونی روشنی تعیین کرده و آن را به چهار بخش تقسیم نموده اس: فرض، واجب، سنت و مستحب.

برای آن که بحث طولانی و پیچیده نشود، به صورت ساده چنین توضیح می دهیم: هر عملی که فرض باشد، تمام وسایل و ابزار لازم برای انجام آن عمل نیز فرض است؛ یعنی اگر آن وسایل به راحتی به دست می آید که چی خوب! اما اگر فراهم نیست، پس ساختن و اختراع آن فرض می باشد؛ همان گونه که در جهاد، فراهم سازی مال، نیرو، توان، تجهیزات و... فرض است.

آنچه واجب است، فراهم سازی وسایلش نیز واجب می باشد؛ آنچه سنت است، وسایلش سنت؛ و آنچه مستحب است، لوازم، شرایط و ارکانش نیز مستحب خواهد بود، که این یک قاعده کلی است.

برای مثال: نماز فرض است؛ پس تمام چیزهایی که نماز به آن ها کامل می شود نیز فرض اند؛ مانند وقت، وضو، استقبال قبله و امثال آن... اکنون روشن شد که برای انجام یک عمل فرض، تمام مقدمات تکمیل کننده آن نیز فرض می باشند و این قاعده را باید به خوبی آموخت، چون هر جا نیاز شد به کار بست.

اکنون برای روش تر شدن موضوع، حکایتی مثال گونه بیان می کنم:

در جریان جهاد بیست ساله گذشته، زمانی که کشورهای عضو ناتو به رهبری آمریکا، سرزمین عزیز ما (افغانستان) را اشغال کرده بود، یکی از مجاهدین در منطقه وردک بر یک کاروان لوژستیک ناتو حمله کرد و موترهای پیشرو را هدف قرار داد، در آن لحظه، محافظان نظامی و رانندگان کاروان از شدت ترس عقب نشینی کردند، اما زمانی که مجاهدین به سرک رسیدند، امکان غنیمت گرفتن موترهای حامل تیل وجود نداشت؛ زیرا آن روزها، روزهای نخست جهاد بود و انتقال چنین موترهایی برای مجاهدین ممکن نبود از همین رو، معمولاً موترها را به آتش می کشیدند تا دشمن از نظر اقتصادی نیز متضرر شود؛ در همان لحظه، یکی از مجاهدان دلیر که نخستین بار به موترها رسید، روی آن ها تیل ریخت و خواست آتش بزند، اما در

جیب خود هیچ وسیله ای برای افروختن آتش نیافت؛ نه کبریت، نه فندک و نه چیز دیگر... او از یارانش فریاد زد که «قوطلی بیاورید تا موترها را آتش بزنم!» اما پاسخ شنید که هیچ کدام چنین وسیله ای ندارند، یکی پس از دیگری را صدا زد، ولی هیچ کس کبریت یا فندک همراه نداشت، همگی با حسرت دست بر دست زدند و افسوس خوردند که چرا فندک با خود نیاورده اند، در همان هنگام، یکی از مجاهدان به شوخی گفت: (کاش حداقل یک نفر در میان ما سیگرتی می بود؛ دست کم فندک می داشت) این نکته، درس عمیقی به ما می دهد که در چنین شرایطی، بردن یک فندک به سنگر نیز فرض است و اگر آماده نباشد، ساختن آن فرض می شود.

اکنون روشن شد که علم فرض کدام است و علم مباح کدام؟

به سبب نبود یک فندک پنج افغانی، دشمن اشغالگر چه مقدار سود برد! حدود سی موتر سالم از سوختن نجات یافت، اگر قیمت متوسط هر موتر را چهار میلیون افغانی در نظر بگیریم، ارزش مجموعی آنها به ۱۲۰ میلیون افغانی می رسد، اگر در هر موتر بیست هزار لیتر تیل فرض کنیم، مجموع تیل به شش میلیون لیتر می رسد، با جمع قیمت موترها و تیل، مجموعاً ۱۶۰ میلیون افغانی می شود؛ یعنی تنها به دلیل نبود وسیله ای به ارزش پنج افغانی، این مبلغ هنگفت از دست مجاهد خارج شد و به دشمن رسید! این تنها زیان ابتدایی مالی بود!!! پس از آن، همین تیل در طیاره ها و تانک ها استفاده شد، خانه های مسلمانان را ویران گرد، زنان بسیاری بیهوش شدند، کودکان یتیم گشتند، کشت زارها تخریب شدند، محیط زیست آسیب دید و ... این خود بُعد دیگری از خسارت است، همچنین رنج راه های دشواری که این مجاهدان از آن عبور کرده بودند، بُعدی دیگر دارد! و اگر - خدای ناکرده - خداوند از کسی بپرسد که چرا فندک همراه نداشتی، این نیز مسئولیتی دیگر است.

تمام این زیان ها از نبود یک وسیله کوچک کیمیایی به قیمت پنج افغانی پدید آمد؛ وسیله ای که حاصل دانش ریاضی، کیمیا و فزیک است و انگیزه ساخت آن نیاز بشر و سازنده اش یک دانشمند علمی بوده است.

امید است سخنانم به خوبی درک شده باشید.

نتیجه:

آموزش های تخنیکی و مسلکی، هم فرض اند، هم واجب، هم سنت و هم مستحب.

اکنون خود شما تحقیق کنید که کدام یک فرض است و کدام مستحب... هنگامی که به این نتیجه رسیدید، جوانان باید حتماً به این آموزش ها روی آورند و بزرگان نیز باید به طور کامل از آن حمایت کنند، این سخن تبلیغ تجارتی نیست، بلکه بیان یک نیاز واقعی جامعه و یک مملکت مستقل است.

از همین رو، اداره تعلیمات تخنیک و مسلکی با تمام توان در خدمت شماسست و بدون هیچ هزینه مالی، به جوانان شما آموزش ارائه می کند - ان شاء الله و این اداره هم اکنون در ده سکتور، ۳۵۸ مرکز آموزشی فعال دارد و حدود ۹۰ هزار نفر در آن آموزش می بینند که تنها در سال جاری، حدود ۴۰ هزار تن از مجاهدین از این مراکز فارغ شده اند.